

انتخابات و شکل‌گیری هویت ملی عراق

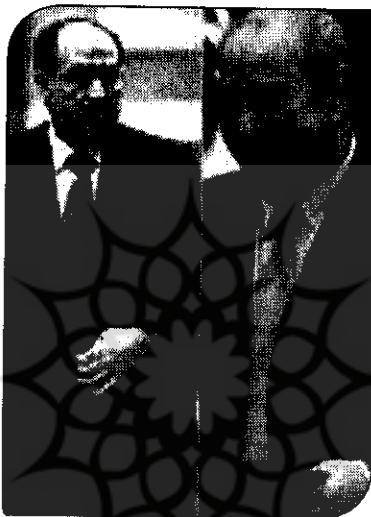
گفت و گو با موفق الربیعی

از علی موسوی خلیلی
منبع: سایت دیپلماسی ایرانی،
(۱۶ اسفند ۱۳۸۸)

آنچه در زیر می‌آید، نتیجه گفت‌وگوی تقریباً یک‌ساعته با موفق الربیعی درباره انتخابات عراق و برنامه‌های ائتلاف ملی است. موفق الربیعی دبیر شورای عالی امنیت ملی عراق و یکی از نامزدهای مطرح ائتلاف ملی عراق است؛ ائتلافی که احزاب سیاسی بسیار مهمی را به دور خود جمع کرده و به جرات می‌توان مهم‌ترین ائتلاف سیاسی عراق در کنار ائتلاف ملی و ائتلاف عراقیه است. الربیعی پیشتر، از نزدیکان نوری مالکی بود، اما نزدیک به شش ماه پیش از مالکی دور شد، بویژه زمانی که از دبیری شورای عالی امنیت ملی عراق کنار گذاشته شد. هنگامی که اختلاف‌های ائتلاف ملی با ائتلاف دولت قانون به ریاست نوری مالکی افزایش یافت و مالکی در نهایت نپذیرفت که به این ائتلاف بپیوندد، الربیعی پیش از پیش از مالکی فاصله گرفت. اکنون او یکی از نامزدهای مطرح این ائتلاف از شهر بغداد است. او نیز همانند بسیاری از جریان‌های سیاسی شیعه عراق، دغدغه آینده عراق را دارد.

● چرا انتخابات عراق تا این اندازه برای شما اهمیت دارد؟

○ این انتخابات اساسی است، چرا که «هویت عراق» را شکل خواهد داد. صدام حسین به شکل‌های مختلف از ۱۹۲۱ تا ۲۰۰۳ بر عراق حکومت کرد. پس از ۲۰۰۳ بخصوص در بغداد هویت عراق تغییر کرد، این تغییر ناخواسته بود. هویت عراق چه کسی می‌خواست و چه نمی‌خواست. هویت اکثریت شد؛ نخست این که اکنون این هویت در انتخابات تهدید شده و دوم اگر از دستان اسلامگرایان شیعه، حکومت و دولت عراق خارج شود دیگر گرفتن آن بسیار سخت خواهد شد، اما اگر در دستان اسلامگرایان شیعی ماند از دست دادن آن بسیار سخت می‌شود، چرا که



شهروند عراقی اکنون از دست‌رفته‌ها، خرابی‌ها و نبود خدمات رami بیند، چرا که این مسائل قابل لمس شده، اما این دستاوردها مقیاس اندازه‌گیری ندارد، برای نمونه نمی‌تواند پیرسید چند کیلو آزادی گرفته‌ای؟ در حالی که می‌تواند پیرسید چقدر برق در اختیار داریم؟ چرا که قابل اندازه‌گیری است. بیشتر عراقی‌ها ۶ ساعت برق داشتند، اما اکنون ۸ ساعت برق دارند. همان‌طور که گفتیم شهروند عراقی اکنون دستاوردها را احساس نمی‌کند، بلکه بر عکس آنچه می‌بیند کاهش خدمات عمومی است که قابل لمس و قابل دسترسی است، در نتیجه شمارا با این مقیاس مقایسه می‌کند. بنابراین اگر در دور بعد، دولت را از دست بدهیم این دستاوردها را از دست خواهیم داد و هر چه هم تاکنون ساخته‌ایم و به دست آورده‌ایم بر سرمان خراب خواهد شد، چرا که پیروزی همیشه پدر و مادرهای بسیاری دارد، اما شکست همیشه یتیم است، هیچ کس حاضر نیست شکست را بپذیرد، به همین دلیل است که می‌گویم اگر قدرت را ما اسلامگرایان شیعه از دست بدهیم، کسب مجدد آن واقعاً سخت خواهد بود.

در چهار سال گذشته دولت در دست اسلامگرایان شیعی بود و این امر باعث می‌شود برای چهار سال آینده پیشرفت ادامه داشته باشد. مادر چهار سال آینده دستاوردهای آنچه به دست آورده‌ایم و ایجاد کرده‌ایم را برداشت خواهیم کرد.

شهروند عراقی اکنون از دست‌رفته‌ها، خرابی‌ها و نبود خدمات رami بیند، چرا که این مسائل قابل لمس است. او اکنون خدمات معنوی‌ای که به او داده شده را نمی‌بیند. در حال حاضر شهروند عراقی آزادی دارد، از قابلیت انجام هر گونه فعالیت سیاسی برخوردار است و به او کرامت انسانی برگردانده شده، احساس ملی‌گرایی‌اش تقویت شده، اما این دستاوردها مقیاس اندازه‌گیری ندارد، برای نمونه نمی‌تواند پیرسید چند کیلو آزادی گرفته‌ای؟ در حالی که می‌تواند پیرسید چقدر برق در اختیار داریم؟ چرا که قابل اندازه‌گیری است. بیشتر عراقی‌ها ۶ ساعت برق داشتند، اما اکنون ۸ ساعت برق دارند. همان‌طور که گفتیم شهروند عراقی اکنون دستاوردها را احساس نمی‌کند، بلکه بر عکس آنچه می‌بیند کاهش خدمات عمومی است که قابل لمس و قابل دسترسی است، در نتیجه شمارا با این مقیاس مقایسه می‌کند. بنابراین اگر در دور بعد، دولت را از دست بدهیم این دستاوردها را از دست خواهیم داد و هر چه هم تاکنون ساخته‌ایم و به دست آورده‌ایم بر سرمان خراب خواهد شد، چرا که پیروزی همیشه پدر و مادرهای بسیاری دارد، اما شکست همیشه یتیم است، هیچ کس حاضر نیست شکست را بپذیرد، به همین دلیل است که می‌گویم اگر قدرت را ما اسلامگرایان شیعه از دست بدهیم، کسب مجدد آن واقعاً سخت خواهد بود.

● شما اکثریت عراق را تشکیل می‌دهید و شیعیان در عراق اکثریت را دارند، پس چرا ممکن است

قدرت را به همین سادگی از دست بدهید؟

○ نه معلوم نیست ما اکثریت باشیم، مادر کادر خود، رهبری ها و تاریخمان صاحب اکثریتی هستیم، اما واقعیت این است که تعداد سربازان، پلیس، باغبان، کشاورز، کارگر و... به تعداد علمای مائیتستند که بگویم ما را انتخاب خواهند کرد...

● اما بیشتر ملت شیعه هستند؟

○ ملت شیعه آگاه منظور من است. معلوم نیست مردم عادی شیعه عراق مثل من و شما فکر کنند، چرا که او چیز دیگری می بیند. او می بیند تجربه شیعیان اسلامگرا بر او ۷ سال حکومت کرده اند چه بوده و می بیند که کوتاهی هایی وجود دارد و بر اساس

کردیم، اما این را شهر و ندر عراقی احساس نمی کند. به شهر و ندر عراقی می گویی من به تو آزادی دادم، به تو می گوید با این آزادی چه کنم؟ او گورهای دسته جمعی را فراموش کرده، نمی خواهد هم به آن دوران باز گردد و در باره اش فکر کند.

نکته دیگر این که ما یک دستگاه امنیتی جدیدی از نو ساختیم و از صفر یک سیستم جدید بنا کردیم. ارتش ساختیم، نیروهای امنیتی داخلی ایجاد کردیم، سازمان امنیت جدید، سازمان مبارزه با تروریسم، گروه ضربت، پلیس و... تشکیل دادیم؛ یک منظومه امنیتی کاملاً جدید، اما این راهم شهر و ندر درک نمی کند، آنها به این مرحله

نرسیده اند که بخوانند آن را درک کنند. القاعده بر چهار استان بزرگ کشور تسلط داشت، سه استان غربی و یک استان جنوبی کشور میان گروه های شبه نظامی تقسیم شده بود، بغداد به دو نیم تقسیم شده بود، نیمی از آن در اختیار القاعده و نیمی دیگر در اختیار شبه نظامیان بود، ولی اکنون چنین چیزی نیست

روزی شش خود روی بمبگذاری شده در بغداد منفجر می شد، ولی اکنون این اتفاق نمی افتد، بنابراین وضعیت امنیتی بهبود یافته، اما این راهم شهر و ندر عراقی درک نمی کند؛ چرا که هر چند هفته یک بار یک ماشین بمبگذاری شده منفجر می شود و این باعث می شود که همچنان احساس ناامنی کند. او نمی گوید از تعداد بمبگذاری ها کم شده، هنوز در مقابل چشمانش خود دروهای بمبگذاری شده منفجر می شوند. حافظه اش بیشتر از سه چهار هفته دوام نمی آورد. وقتی به او می گویم امنیت بهتر شده می گوید، چه کسی می گوید بهتر شده. همین چند روز پیش یک ماشین بمبگذاری شده منفجر شد، در حالی که این اتفاق مثلاً مربوط به سه هفته پیش است و جدید نیست. یادش نمی آید که همین دو سال پیش مجبور بود ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر به خانه اش برود، چون اوضاع بسیار ناامن بود، اما اکنون حافظه اش ضعیف است، در نتیجه می گوید، ما خدمتاتی ارائه نداده ایم و وضعیت امنیتی خوب نیست، برق فاجعه است، کشاورزی فاجعه است، صنعت فاجعه است، وضعیت کارمندان فاضح است، توزیع زمین ها فضاحت بار است، بازسازی خارجی از همه بدتر است، بهداشت خجالت آور است، آموزش و پرورش بسیار بد است، حتی می توانم بدی ها را تا صبح بشمارم، البته همه اینها هم صحیح است، مردم راست می گویند این وضعیت واقعا اسف بار است. من نمی خواهم از دولت دفاع کنم، ولی می خواهم از تجربه دفاع کنم. من می گویم باید میان دولت و حکومت تفاوت قائل شد. من از نظام جدید عراق دفاع می کنم و می گویم بله صحیح است، نه تنها صدها بلکه هزاران خطا مرتکب شدیم و در تمام پرونده ها این خطاها مشهود است؛ از پرونده های امنیتی گرفته تا خدمات رسانی، سیاست، اقتصاد و...

● آیا نقاط ضعفتان را دقیق می دانید یا خیر؟ یعنی می دانید کجا خطا کرده اید؟

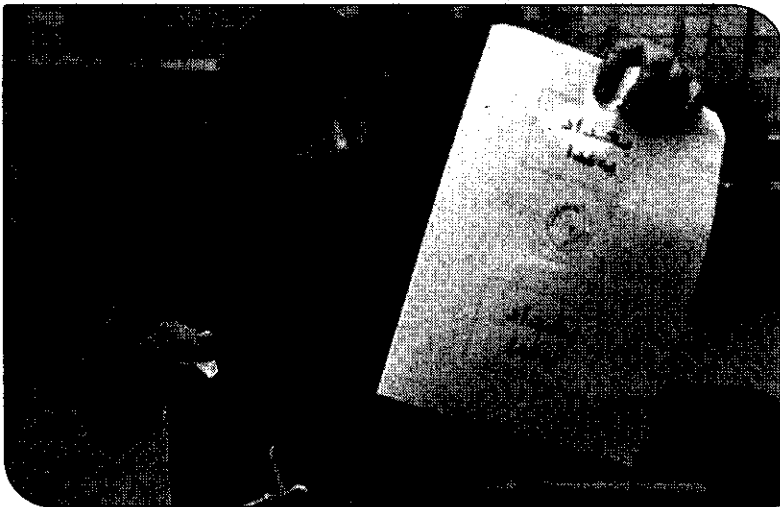
○ بله، آن راهم توضیح می دهم. باید بدانیم مشکل ما کجاست، چرا خطا کردیم؟ وقتی که



اگر در دور بعد، دولت را از دست بدهیم این دستاوردها را از دست خواهیم داد و هر چه هم تاکنون ساخته ایم و به دست آورده ایم بر سرمان خراب خواهد شد، چرا که پیروزی همیشه پدر و مادرهای بسیاری دارد، اما شکست همیشه یتیم است، هیچ کس حاضر نیست شکست را بپذیرد، به همین دلیل است که می گویم اگر قدرت را ما اسلامگرایان شیعه از دست بدهیم، کسب مجدد آن واقعاً سخت خواهد بود

آن قضاوت می کند. حکومت ۷ سال جدید عراق با حکومت دوران صدام حسین، عبدالکریم قاسم، ملک فیصل ها و دیگران کاملاً متفاوت است، البته نه تنها با هویت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، بلکه با هویت سیاسی اقتصادی آنها نیز متفاوت است. بیشتر آنها سنی مذهب بودند که بعدها جای خود را به سنی های ریف دادند. حتی با شیعیان ریف هم تفاوت دارند؛ اینها چه کسانی هستند؟ اینها شامل آدم های روستایی و بی فرهنگی هستند که اقتصاد اجتماعی آنها با ما فرق می کند، به طور کلی شیوه حکومت جدید کاملاً متفاوت است.

در این حکومت همه چیز از زیر بنا تغییر کرد. این نظام، قانون اساسی نوشت، پارلمان تشکیل داد، دولت مردمی آورد و خلاصه همه چیز را در گون ساخت. بیشتر حکومت منحصر ادرستان صدام و اطرافیاتش بود، در حالی که اکنون حکومت در گروه ها و جریان های سیاسی توزیع شده است. به عبارت دیگر ما یک نظام سیاسی جدید ایجاد



به قدرت رسیدیم شرکای مهنی ما به ما خیانت کردند، آنها ثروت و حکومت را از دست دادند، از این رو دست به خیانت و دسیسه علیه ما زدند (منظورم سنی های عراق است). آنها سلاح برداشتند و به توطئه علیه ما پرداختند، به شکل های مختلف از بنب های جاده ای گرفته تا خودروهای بمبگذاری شده، عملیات انتحاری، نابود ساختن زیر بناها و روستاهای کشور که تا حالا هم ادامه دارد، حتی دیگر هم بیمانان مانیز به ما خیانت کردند، آنها بیشتر از حقوقشان از ما طلب می کردند. پس از آن کشورهای منطقه همه علیه ما دست به توطئه زدند. تمام کشورهای اقلیمی، بدون استثنا علیه ما شدند.

سلاح های بسیاری از مرزهای ایران و عراق عبور می کرد تا به دست شبه نظامیان برسد. از عربستان سعودی برای ماعامل انتحاری، پول های کلان برای القاعده، فتوای تکفیری، حمایت های سیاسی و حمایت های رسانه ای می آمد، برای نمونه شبکه العربیه که باید بگویم شبکه "العربیه" به جای "العربیه"؛ شبکه انفجار خودروهای بمبگذاری شده را مقاومت می نماید.

• حتی الجزیره؟

○ الجزیره کمتر بود. العربیه اول به آنها لقب مقاومت داد، سپس مقاومت شریف شد و اکنون هم حرفی نمی زند؛ خط تکفیری گمراه کننده را به همین نام می نماید.

از مرزهای سوریه هر ماه یکصد عامل انتحاری وارد عراق می شد، اکنون به یکی دو عامل کاهش یافته، بنابراین به سوی تمام کشورهای منطقه از جمله ایران، عربستان، سوریه و... متمایل شدیم که خوشبختانه ما این مشکلات بسیار کاهش پیدا کرد.

نباید فراموش کنید که هر آزادی هزینه های کلانی هم دارد. اکنون در عراق ۱۵۰ هزار سرباز خارجی داریم. استقلال ما مورد تهدید است و تصمیم مان در اختیار خودمان نیست، بنابراین چگونه می توانیم کشور را بسازیم؟ وقتی که استقلال مان مورد تهدید است و نمی توانیم آزادانه تصمیم بگیریم، کاری نمی توانیم بکنیم. در عراق نه تنها ۱۵۰ هزار سرباز خارجی هست بلکه ۱۵۰ هزار سرباز در سایه خارجی هم وجود دارد.

• ۱۵۰ هزار سرباز در سایه خارجی؟

○ بله ۱۵۰ هزار سرباز در سایه خارجی. کسانی که می گویند که آنها برای حمایت از امنیت کشور آماده اند نمی فهمند.

• اینها چه کسانی هستند؟

○ امریکایی، افریقایی جنوبی، اروپایی، کره ای و بسیاری از ملت های دیگر که ۱۵۰ هزار

ما یک نظام سیاسی جدید ایجاد کردیم، اما این را شهروند عراقی احساس نمی کند. به شهروند عراقی می گویی من به تو آزادی دادم، به تو می گوید با این آزادی چه کنم؟ او گورهای دسته جمعی را فراموش کرده، نمی خواهد هم به آن دوران باز گردد و درباره اش فکر کند

نفر را تشکیل می دهند؛ آیا با وجود اینها می توان تصمیم گیری کرد؟ یقیناً خیر. نکته دیگر این که، آنچه در عراق اتفاق افتاد آیا کودتای نظامی همانند کودتای عبدالکریم قاسم و عبدالرحمان عارف و صدام حسین بود؟ و یا آنچه در عراق اتفاق افتاد یک سونامی بود، آن هم یک سونامی بنیان برانداز؛ سونامی ای که در ۱۴۰۰ ساله گذشته، یعنی از سقیفه تا به حال سابقه نداشته است. این سونامی را نه شرکای ما در داخل میهن فهمیدند و نه مردم مان، کشورهای اقلیمی نیز نمی خواهند بفهمند. بهترین مثال سخن وزیر امور خارجه امارات، عبدالله بن زاید است، او به من گفت که در کتر اما باید پنج سال تأمل کنیم تا بفهمیم در عراق چه اتفاقی افتاد. ما نمی فهمیم و اقا عذر عراق چه شد....

• این را دقیقاً به شما چه زمانی گفت؟

○ تقریباً یک سال و نیم پیش. آنها نتوانستند این موضوع را بفهمند، چرا که همواره در عراق باید یک نفر می مرد تا یکی دیگر جایش بیاید، اگر آن فرد آدم خوبی نبود علیه او کودتای می شد و یا او را به زور عزل می کردند، چیزی که در تمام کشورهای

عربی تقریباً مشابه است، حتی مجلس هم از خود مجموعه حاکم است. عجیب هم است هر کس هم که از این راه به قدرت می رسد همه کشورهای عربی و بین المللی آن را بر رسمیت می شناختند، در نتیجه اتفاقی بسیار غریب افتاد. یکی از مقامات ارشد عرب به من گفت، آنچه در عراق اتفاق افتاد به اندازه ای عجیب بود که انگار بگویی نام های دجله و فرات تغییر کرده، یا کوه ها از شمال به جنوب رفته اند.

دلایل دیگری هم وجود دارد؛ دلایلی که به ذات خود ما بر می گردد و خود ما مسبب آن هستیم، نخست این که هیچ کسی را سر جای مناسبت قرار ندادیم، دوم این که در بین ما کسانی هستند که با اندیشه های طایفه ای روزهای خود را سپری می کنند و می خواهند با دیگران تصفیه حساب کنند، سوم، احزابی هستند که تنها به فکر منافع حزبی خود هستند و تلاش می کنند احزاب دیگر را حذف کنند و چهارم، ما اصلاً تجربه حکومت کردن را نداریم. ما ۱۴۰۰ سال از هسته قدرت دور بودیم. هنگامی که صدام حسین را اعدام کردیم نزد عزیز عراق مرحوم سید عبدالعزیز حکیم رفتیم، او از ما حمایت می کرد و به ما روحیه می داد. من شخصاً صدام حسین را پای چوبه دار بردم. زمانی که نزد آقای حکیم برگشتیم فهمیدیم که در روند اعدام اشتباهات بسیاری مرتکب شدیم، مثلاً پاهای صدام را بستیم، صلوات فرستادیم و خطاهای بسیاری دیگر. عبدالعزیز حکیم از ما بسیار تجلیل کرد و گفت، تاریخ عراق از شما به نیکی یاد خواهد کرد، خدا شما را جزا بدهد، اما چرا چنین خطاهایی مرتکب شدید، از جمله فیلم دیدن و تویی ای که منتشر شد اصلاً خوب نبود! گفتم ما تجربه اعدام نداریم، بلکه ما همیشه تجربه اعدام شدن داشتیم. ما را همیشه پای چوبه دار می بردند. تجربه ما

قربانی شدن بود، این نخستین بار بود که صدام حسین را اعلام می کردیم. این موضوع در بسیاری از موارد مصداق دارد.

به روشنی می گویم ما با خودمان افرادی فاسد آوردیم. هر مجموعه ای از این موضوع رنج می برد. در همه دنیا چنین مشکلاتی وجود دارد و افرادی وجود دارند که بی کفایت و دروغگو هستند، اصلاً حرف نمی فهمند. اوضاع عراق با ایران فرق می کند. ما مجبور شدیم وزارتخانه ها را به احزابی بدهیم که هیچ خبرگی ای در این کار ندارند مانند وزارت آموزش و پرورش. همان طور که آیت الله سیستانی به من گفت، ما نیاز به مردمی داریم که با کفایت و سالم باشند، انسان هایی مقبول که به ملت خدمت کنند. اما در میان ما افرادی دزد زد آمدند.

• آیا این افراد را شناسایی کرده اید که در دولت های آینده از آنها استفاده کنید؟

○ بخشی از آنها حزبی هستند و این یک فاجعه است.

• آیا این نهاد ائتلاف هستند یا خارج از آن؟

○ من دوره گذشته را برای شما تشریح کردم. باید بگویم که ائتلاف کنونی موسوم به «ائتلاف ملی» از ائتلاف یکپارچه که ائتلاف گذشته ما بود، به چند دلیل بهتر است. نخست این که گروه های ملی بسیاری در آن عضویت دارند یعنی فقط شیعیان نیستند، بلکه مجانب اهل بیت به طور کل در آن عضویت دارند، دوم این که ما برنامه ملی داریم، ما برنامه ای داریم که یک برنامه ملی عراقی است نه قومی، اکنون این برنامه در حال دگرگون کردن عراق است و خود را نشان می دهد و مادر حقیقت رقابت میان ایده مذهبی و دینی با حرکت حزبی است، حتی حزب الدعوة نیز در برابر جنبش دینی ایستاده است. اکنون که شیعه به دو بخش تقسیم شده و دو ائتلاف تشکیل داده به اعتقاد من پیروزی ای

برای اراده غرب در عراق رقم خورده، حتی برای کشورهای عربی نیز پیروزی به شمار می رود، چرا که آنها هم به دنبال شکستن اتحاد شیعه بودند که به این ترتیب به این هدف رسیدند. به هر حال ما روی آگاهی مردم و زمان نیز شرط بندی می کنیم.

• یعنی در همین مدت کوتاهی که باقی مانده روی این زمان شرط بندی می کنید؟

○ نه، منظور من از زمان، میان مدت و طولانی مدت است، اما برای رسانه های می گویم که ائتلاف ملی بزرگترین ائتلاف در عراق است و انشاء الله برنده انتخابات هم در نهایت همین ائتلاف ملی خواهد بود، اما خارج از بحث رسانه ای باید بگویم که من نگرانم، ما از هیچ یک از قدرت های امریکایی و او عرب هادر تمام بخش ها چهره سانه ای، چه اقتصادی و چه سرمایه بهر نمی بریم، آنها قدرت بسیاری دارند و می توانند باعث آزار ما شوند.

هر آزادی هزینه های کلانی هم دارد. اکنون در عراق ۱۵۰ هزار سرباز خارجی داریم. استقلال ما مورد تهدید است و تصمیم مان در اختیار خودمان نیست، بنابراین چگونه می توانیم کشور را بسازیم؟ وقتی که استقلال مان مورد تهدید است و نمی توانیم آزادانه تصمیم بگیریم، کاری نمی توانیم بکنیم. در عراق نه تنها ۱۵۰ هزار سرباز خارجی هست بلکه ۱۵۰ هزار سرباز در سایه خارجی هم وجود دارد

• چرا آقای نوری مالکی با ائتلاف ملی با وجود بارقه های امیددی که بود، متحد نشد؟ در حالی که آقای سید عمار حکیم در باره جبهه ملی عراق با جریان هایی مثل ائتلاف دولت قانون سخن می گفت و آقای مالکی نیز پس از دیدار با آیت الله سیستانی صحبت از همپیمانی با ائتلاف ملی زد، پس چرا چنین اتفاقی رخ نداد؟

○ منظور آقای سید عمار حکیم، تشکیل جبهه با یاد علاوی بودند با آقای مالکی. منظور آقای سید عمار حکیم هم تشکیل چنین جبهه ای پس از انتخابات بود و توپ در زمین آقای مالکی بود و شبهاتی بر برتری ائتلاف دولت قانون مطرح شده بود. این ائتلاف دولت قانون بود که دعوت ائتلاف ملی را برای هم پیمانی رد کرد، در نتیجه راهی برای وحدت نبود. آقای مالکی اگر حرفی هم از ائتلاف زد برای این بود که رای دهندگان را فریب دهد، چرا که اکنون نمی توانیم با هم یکی شویم؛ آیا چنین فرصت وجود دارد؟ یقیناً، چرا که همانند یک خیابان یک طرفه شده است. آقای مالکی فکر می کند که پس از انتخابات وحدتی ایجاد شود.

• آیا این تنها برای دفع فشارهای آیت الله سیستانی بود که پس از آن دیدار صحبت از هم پیمانی با ائتلاف ملی کرد؟

○ بله. آیت الله سیستانی به ایشان بسیار فشار آورد ما هم به او می گفتیم آقای مالکی نخستین فردی نباش که می خواهد در صفوف شیعیان انشقاق ایجاد کند. اکنون چنین تصویری به وجود آمده که مالکی باعث انشقاق در صفوف شیعیان شد.

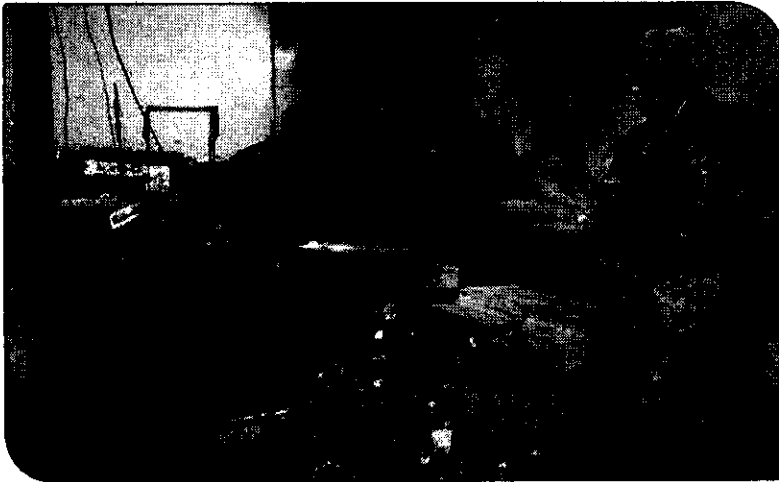
• چرا آقای مالکی نپذیرفت که با ائتلاف متحد شود؟

○ آقای مالکی به این پرسش پاسخ داده است. من از سوی او همین پاسخ را می دهم تا آنچه هست را حفظ کنیم، او می گوید، کسانی هستند که علیه دولت هستند چرا که دولت برای آنها خدمات رسانی نکرد، پس آنها به سوی ائتلاف ملی متمایل خواهند شد، اما همزمان کسانی هم هستند که از مجلس اعلا و از صدری هاسمتفرند، آنها به ائتلاف دولت قانون رای خواهند داد. افزون بر آن اگر ما با هم متحد شویم، این رای دهندگان به سوی یاد علاوی متمایل خواهند شد، چرا که نخواهند پرسید که شما از کجا آمدید و چه هدفی دارید.

• نظر شما در باره این دیدگاه آقای مالکی چیست؟

○ این دیدگاه بسیار خطرناک است، البته هم خطرناک است و هم اشتباه. این به آن معناست که بهتر است دو ائتلاف شویم و از آن بهتر سه ائتلاف و





چهار ائتلاف و همین طور بیشتر شویم.
• اکنون می گویند انتخابات عراق در حقیقت رقابتی است میان ایران و اعراب و ایران و آمریکا؛ نظر شما در این رابطه چیست؟

○ ما نمی توانیم منکر تأثیرات اقلیمی یا تأثیرات امریکایی هابر انتخابات عراق شویم. ایالات متحده هنگامی که پایه عراق گذاشت، یک پروژه بزرگ داشت؛ این پروژه سه عنصر اساسی در خود دارد و امریکایی خواهد این پروژه را به طور کامل و نه جزئی به ما تزریق کند، این عناصر عبارتند از: دموکراسی، تکنولوژی و لیبرالیسم. مادموکراسی و تکنولوژی را می خواهیم، اما لیبرالیسم را نمی خواهیم، چرا که خودمان ایدئولوژی رهبری داریم. این ایدئولوژی مبتنی بر مذهب، تاریخ و دینمان است که بسیار هم کامل است، از این رو نیازی به ایدئولوژی های دیگر نداریم، در حالی که امریکایی ها می خواهند عناصر مورد نظر خود را از طریق شیعیان سکولار، سپس شیعیان و سنیان سکولار و سپس کردها در عراق پیاده کنند.

• آیا این پروژه، پروژه ای تعریف شده از روز نخست بود؟

○ بله، از روز نخست همین پروژه را تعقیب می کردند. هر کس گمان می کند امریکایی ها از روز اول ناآگاهانه قدم به خاک عراق گذاشتند، اشتباه می کند و به هیچ وجه این گونه نیست، اما اشتباهاتی پیش آمد که خداوند مبارک و تعالی آنها را در گیر ساخت. اشتباهاتی که خودشان مرتکب شدند و کارشان را سخت کرد. ۷ سال پیش هنگامی که نیروهای امریکایی وارد عراق شدند مردم با گل و کبوتر از آنها استقبال کردند، اما اکنون با آری جی، مواد منفجره و نارنجک از آنها استقبال می کنند. ملت عراق که خود را تغییر نداد، آن کس که خود را تغییر داد امریکایی ها بودند، آنها اشتباه کردند چرا که طبیعت و ماهیت ملت عراق را نفهمیدند؛ زبان، فکر، مذهب، نوشتن و کلامه چیز ما با آنها فرق می کند، آنها ما را نمی فهمند.

• درباره رقابت های اقلیمی میان ایرانی ها و اعراب و امریکایی هادر عراق چه نظری دارید؟

○ یقیناً هم کشورهای عربی، هم جمهوری اسلامی ایران و هم ایالات متحده امریکا در عراق دوست و همپیمان دارند و هر یک از آنها هم به نوبه خود تلاش می کنند که هم پیمانانشان را در انتخابات به پیروزی برسانند. ایران مصالح ثابتی در عراق دارد، از این رو به نفع ایران است که

اکثریت شیعی در عراق پیروز انتخابات شود. امنیت عراق به مصلحت ایران است، چرا که امنیت عراق در امنیت ایران انعکاس می یابد. به مصلحت ایران است که نیروهای خارجی از عراق خارج شوند. به مصلحت ایران است که حزب بعث دیگر هیچ وقت به قدرت باز نگردد، چرا که حزب بعث یک نظام دیکتاتوری استبدادی است که ۸ سال جنگ تحمیلی با ایران به راه انداخت.

کشورهای عربی نیز می خواهند سنیان یا اقلیت های سنی در عراق حکومت، به هر بهایی قدرت را به دست بگیرند، حال این اقلیت بعثی، وهایی و یا تکفیری باشد هر چه باشد مهم نیست، می خواهند که دولت در اختیار اکثریت نباشد. امریکایی ها هم که پروژه شان مشخص است

عراق در یک جزیره تنها زندگی نمی کند. عراق در جایی به سر می برد که واقعا یک مفصل مهم در

به روشنی می گویم ما با خودمان افرادی فاسد آوردیم. هر مجموعه ای از این موضوع رنج می برد. در همه دنیا چنین مشکلاتی وجود دارد و افرادی وجود دارند که بی کفایت و دروغگو هستند. همان طور که آیت الله سیستانی به من گفت، ما نیاز به مردمی داریم که با کفایت و سالم باشند، انسان هایی مقبول که به ملت خدمت کنند، اما در میان ما افرادی دزد در آمدند

منطقه به شمار می آید.

• آیا عراق را می توان با کشوری مثل لبنان مقایسه کرد؟

○ خیر به هیچ وجه، لبنان یکی از استان های کوچک عراق هم نمی شود. شهرک صدر از تمام لبنان بزرگتر است، در شهرک صدر بیش از چهار میلیون نفر زندگی می کند، از این رو حجم ساکنان فرق می کند. افزون بر آن ثروت های غنی ای که عراق دارد و تاریخ کهنی که از آن برخوردار است به هیچ وجه با لبنان قابل مقایسه نیست. ما پنج تمدن بزرگ بشری را شکل دادیم و تمدن اسلامی را رونق دادیم.

• شما چهار سال در هسته قدرت بودید و در زمان آقای ابراهیم جعفری نیز حضور داشتید، در طول این مدت آن تحرک کسی که انتظار می رفت با کشورهای عربی به وجود بیاید نیامد؛ چرا؟ آیا نمی توان گفت این یک شکست دیپلماتیک برای عراق جدید است؟

○ دلایل مختلفی دارد. این اتفاق شباهت بسیاری به کسی دارد که می خواست دختر پادشاه را بگیرد. پیش خودش گفت، کار تمام شده و تقریباً همه چیز مهیاست، من دختر شاه را خواهم گرفت. از او پرسیدند چگونه می خواهی این کار را بکنی؟ گفتن من و پسر و مادرم راضی هستیم تنها مانده رضایت خودش و پدرش و مادرش.

ما تلاش خود را کردیم و باز هم تلاش خواهیم کرد تا تحرک لازم در جهت بهبود روابط عراق با کشورهای عربی به وجود آید. هویت عراق هویت عربی اسلامی است، اما مشکل اینجاست که این عراق را اکثریتی حکومت می کند که در جهان عرب و جهان اسلام اقلیت است. برادران کشورهای عربی ابتدا به ما به عنوان یک نگرش انحرافی دینی

نگاه می کنند و ما را دست نشانده ایران می دانند، حتی اگر علیه ایران اعلان جنگ کنیم، این عوامل باعث می شود که کشورهای عربی به ما اعتماد نداشته باشند، تنها راهی که برای ما باقی می ماند این است که خود را تثبیت کنیم، آنها و قششان را تلف کنند. اشکالی ندارد ما عجله نداریم. ما باید وضعیت ملی خود را در داخل عراق تثبیت کنیم. وقتی هم که این وضعیت را تثبیت کردیم، حتی اگر مثلاً عربستان خواست ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر به ما وجود اعتراف کند برای ما دیگر مهم نیست.

● **پیشی ها چه می کنند؟**

○ هیچ راهی برای بعضی ها وجود ندارد. ما به هیچ عنوان اجازه نمی دهیم حتی یک بعثی وارد حرکت سیاسی عراق شود. این مانند این است که یکی به شما بگوید بگذارید از منافقین بک نفر وارد پارلمان ایران شود. از ۲۷۰ نماینده پارلمان اگر یک نفر از منافقین باشد مگر طوری می شود؟ شما به آن فرد خواهید گفت، نه ابداً چنین چیزی امکان ندارد. این کار مانند این است که شما بخواهید یک قطره سر که رادر یک بشکه غسل بریزید. همه آن غسل را خراب می کند. حزب بعث حزبی است که همواره با توطئه سیاست هایش را پیش می برد. این حزب، حزب کودتاها می نظامی است، اگر بخواهیم به آنها اجازه فعالیت بدهیم مثل این است که خواسته ایم به آنها اجازه هیروزی بدهیم.

حزب بعث این همه جنایت کرد، خودروهای بمبگذاری شده رادر خیابان های عراق منفجر کرد و توطئه و ترور بسیاری انجام داد، آن گاه ما میسیم برای جزای این کارش هر چه از عالم سیاست می خواهد به آن بدهیم. آن موقع یک انشقاق دیگر می افتد. این حزب دوریسه خواهد داشت، از یک سو به فعالیت های تروریستی و تخریبی اش ادامه می دهد و از سوی دیگر در حرکت سیاسی کشور ریشه خواهد داد.

● **آیا شما می خواهید بطنی ها را به طور کامل از برنامه سیاسی عراق حذف کنید یا همان طور که ایاد ○ علوی می گوید می خواهید با آن دسته از کسانی که قابلیت همکاری دارند کنار بیایید. به هر حال هر کاری کنید، ثابت شده که بعثی ها در جامعه عراق حضور دارند.**

ما ضد بعثی ها نیستیم، ما ضد بعث هستیم. حتی اگر کسی در گذشته اسم خود را در حزب بعث وارد نکرده از دید ما بعثی نیست. اگر اکنون متمایل به بعثی ها شده این برای ما خطرناک است. بعث یک سرطان است. راه های سیاسی آن هیچ

ائتلاف کنونی موسوم به «ائتلاف

ملی» از ائتلاف یکپارچه که

ائتلاف گذشته ما بوده به چند

دلیل بهتر است شخصت این که

گروه های ملی بسیاری در آن

عضویت دارند یعنی فقط شیعیان

نیستند بلکه محبان اهل بیت

به طور کل در آن عضویت دارند،

دوم این که ما بر نامه ملی داریم،

ما بر نامه ای داریم که یک بر نامه

ملی عراقی است نه قومی، اکنون

این بر نامه در حال دگرگون کردن

عراق است و خود را نشان

می دهد و مادر حقیقت رقابت

میان ایده مذهبی و دینی با

حرکت حزبی است



فرقی با بیماری سرطان ندارد، برای ما اندیشه بعثی خطرناک است

ما اکنون مشکلاتی در داخل خود نظام عراق با وجود این بعثی ها داریم. دستگاه های امنیتی مان تحت نفوذ بعثی هاست، حال اگر بنا باشد وارد نظام سیاسی هم بشوند همه چیز را خراب می کنند.

● **شما می گوید ما همه چیز دستگاه امنیتی کشور از سازمان امنیت گرفته تا ارتش، پلیس و... را همه را از نو ساختیم، پس چرا همان روز اول اجازه دادید بعثی ها بیایند، چرا همان روز اول جلوی نفوذشان را نترقتید؟**

○ اراده ای سیاسی ای که روز اول وجود داشت

شامل این دیدگاه بود که مازیر آتش شبه نظامیان و القاعده هستیم، از این رو لازم است از تجربه بعثی ها استفاده کنیم، در این مرحله از آنها استفاده کنیم در مرحله های بعدی آنها را تصفیه خواهیم کرد.

● **آیا چنین چیزی امکان دارد؟**

○ واقعاً مشکل است. این کار نیازمند یک عمل جراحی بسیار سنگین روی تمامی دستگاه های امنیتی و نظامی کشور است.

حضرت امام خمینی (قدس سره)، در ۱۰ فوریه ۱۹۷۹ نظام پهلوی را سرنگون کرد، اما آمریکا که سرنگون نشد؛ امریکا چه زمانی سقوط کرد؟ هنگامی که دانشجویان سفارت امریکا را تصرف کردند. صدام حسین هم در ۹ آوریل ۲۰۰۳ سقوط کرد، اما حزب بعث سقوط نکرد. امروز ما باید حزب بعث را سرنگون کنیم. ۷ سال سقوط حزب بعث به تعویق افتاد و اکنون فرصت طلایی برای ساقط کردن حزب بعث به وجود آمده است.

● **شما چند ماه پیش گفت و گویی با روزنامه الشرق الاوسط داشتید، در آن آورده بودید روابط ما با اصولگرایان ایران خیلی نزدیکتر و صمیمی تر از جریان اصلاح طلب است و ما با اصولگرایان بهتر از اصلاح طلبان می توانیم کار کنیم؛ هنوز هم چنین فکری دارید؟**

○ نه شاید لازم باشد کمی این فکر را اصلاح کنیم. به اعتقاد من تقسیم بندی اصلاح طلب و اصولگرا از نگاه من چندان دقیق نیست. من می گویم گروهی که اکنون قدرت را در اختیار دارد با آن گروهی که در خارج از هسته قدرت است برای ما تفاوت دارد. ما کسانی را که اکنون درون قدرت هستند، خوب می شناسیم؛ برای نمونه ابراهیم یزدی را از نجف اشرف می شناسیم و یا مقام معظم رهبری را از پیش از انقلاب می شناسیم، این آشنایی هم هیچ گاه قطع نشده، همواره وجود داشته و پابرجا بوده است. آقای هاشمی رفسنجانی را به همین ترتیب می شناسیم. آقای هاشمی به من آقای دکتر ریعی نمی گوید، بلکه دکتر ابوعلی صدایم می زند، رابطه ما یک رابطه مالوف و برادرانه است. آقای میر حسین موسوی را با تمام احترامی که به او می گذارم، نمی شناسم. اما مرحوم چمران را نه تنها می شناسم، بلکه برایم مقدس است، او دوست شفیق و عزیز ما بود، بنابراین کسانی که به تازگی به نام حرکت اصلاح طلب آمده اند را نمی شناسیم، در حالی که با آن افراد که نام اصولگرا به آنها می دهید دوستی و رفاقت چندین ساله داریم.